

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۲۲ دسمبر ۲۰۱۷

دیکتاتوری مانع ایجاد تشکل های مستقل کارگری!

پراکندگی صفوف طبقه کارگر یکی از واقعیت های انکار ناپذیر موقعیت کنونی کارگران ما می باشد. با نگاهی به اوضاع و احوال مبارزات کارگری این واقعیت با برجستگی در مقابل دید همگان قرار می گیرد. تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی و دیکتاتوری عریانی که در تمام جامعه تحت سلطه و از جمله در محیط های کار اعمال می شود نه از سندیکا های کارگری خبری هست و نه یک سازمان انقلابی کمونیستی که در پیوند با مبارزات کارگران قرار داشته باشد در صحنه دیده می شوند. در عوض سرمایه داران استثمارگر و سرکوبگر حاکم که به خوبی از خواست و مبارزات کارگران برای ایجاد تشکلهای توده ئی خویش با خبر اند، ضمن در هم کوبیدن وحشیانه هر گونه تلاش کارگران برای ایجاد این تشکلهای، کوشیده اند تا چند تشکل دست ساز خود نظیر خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار را، تشکل مستقل و نماینده کارگران جا بزنند. البته این تلاش های کارگر ستیزانه با بی اعتنائی کارگران به تشکلهای حکومت ساخته – که خود ارگان سرکوب و انحراف مبارزات کارگران هستند- پاسخ گرفته است.

تصویر فوق گوشه ای از شرایط دردناکی ست که نظام سرمایه داری حاکم به کمک رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی بر طبقه کارگر ما تحمیل نموده است. کارگران ایران در چنین اوضاع و احوالی از درد پراکندگی صفوف خود و بی تشکلی در رنج اند آنهم در شرایطی که قدرت واقعی طبقه کارگر در اتحاد و کار دسته جمعی نهفته است؛ و اساساً تشکیلات مهم ترین سلاح این طبقه در مبارزه علیه نظم ظالمانه موجود می باشد. اما در حال حاضر اساساً به دلیل سلطه یک دیکتاتوری عنان گسیخته، کارگران ما حتی قادر به تشکیل تشکل های صنفی خود نیستند؛ در عین حال آنها از فقدان تشکل سیاسی یا به عبارت دیگر تشکل کمونیستی خود نیز در رنج اند.

روشن است که اعمال دیکتاتوری و سرنیزه نیروی سرکوب جمهوری اسلامی آن عامل اصلی است که پراکندگی و فقدان سازمانیابی را بر کارگران تحمیل نموده است. اما به رغم این واقعیت و شدت سرکوب دیکتاتوری حاکم، کارگران هرگز از مبارزه و اعتراض بازمانده اند و خود همین واقعیت، از یک طرف نشاندهنده شدت حق کشی ها و ظلم ها و اجحافتی است که کارفرمایان به طور روزمره بر کارگران تحمیل نموده اند و از طرف دیگر روحیه پیکارجوی کارگران ما را به نمایش می گذارد.

در حال حاضر، به دلیل فقدان تشکل های صنفی مستقل کارگری که کارگران را در محیط کار نمایندگی کنند و صدا های پراکنده آنها را به صدای واحدی در مقابل سرمایه دار تبدیل سازند، کارگران ما علی رغم مبارزات پیگیر و

گسترده خود نتوانسته اند آن طور که لازم است از مبارزات و اعتراضاتشان جهت دستیابی به خواست های شان سود جویند. این واقعیت را کارگران با گوشت و پوست خود لمس می کنند و به همین دلیل هم خواست ایجاد تشکل های مستقل کارگری به یکی از مطالبات پر اهمیت طبقه کارگر تبدیل شده است. اما اگر چه در شرایط سیطره اختناق و اعمال قهر سیستماتیک از سوی دیکتاتوری حاکم، کارگران ما قادر نیستند اتحاد طبقاتی خود را با ابعاد تشکل ها و حد سازمانیابی شان نشان دهند، این اتحاد را در جریان اعتصاباتشان بروز می دهند. در حقیقت، توقف کار و مبادرت به تجمعات اعتراضی چه در محیط کار و چه در مقابل نهاد های دولتی به یکی از رایج ترین اشکال اعتراضات کارگری و سلاح عمومی آنها در مبارزاتشان بدل شده است. تجمعاتی که هر روز در سراسر کشور شاهد شکل گیری آنها می باشیم. در جریان این تجمعات کارگران به عین شاهد سرکوبگری های نیروی انتظامی و ضرب و شتم آنها بوده و می آموزند که دولت و نیروی انتظامی این دولت، یعنی بازوی سرکوبگر آن، یار و همراه کارفرمایان می باشند. این تجمعات در عین حال آن مکتبی است که قدرت اتحاد کارگران را به آنها نشان داده و به کارگران می آموزد که برای دستیابی به مطالبات صنفی و سیاسی خود باید متشکل شوند.

اما اگر این واقعیتی است که اصلی ترین مانع سازمانیابی کارگران دیکتاتوری وحشیانه ایست که جمهوری اسلامی اعمال می کند بنابراین، از بین بردن این مانع قبل از هر چیز به پیشرفت مبارزه با دیکتاتوری حاکم در جهت نابودی آن وابسته است. حتی اگر صرفاً تشکل صنفی کارگران مد نظر باشد واقعیت این است که ایجاد تشکل های توده ای و علنی کارگری به حدی از دمکراسی نیازمند است که همانطور که می دانیم با سلطه نظام ظالمانه سرمایه داری وابسته و رژیم های دیکتاتوری حافظش در انطباق نبوده و در تضاد با آن قرار دارد. از این روست که چریکهای فدائی خلق مبارزه قاطع علیه رژیم های دیکتاتور و کوشش در شکاف انداختن در سد دیکتاتوری حاکم را راهی تصویر می کنند که طی آن امکان تضعیف دیکتاتوری و ایجاد شرایطی به نفع کارگران وجود دارد. در چنین پروسه ای است که کارگران طی آن نه تنها موفق به متشکل کردن خود در ارگان های صنفی خود می گردند بلکه امکان تشکیل ارگان اصلی طبقاتی خود یعنی حزب کمونیست راستینی را نیز می یابند.

بیشک مبارزات اقتصادی کنونی طبقه کارگر ما که به طور عمده در مواجهه با رژیم کارگر ستیز حاکم به مبارزه سیاسی و بعد به دلیل برخوردهای سرکوبگرانه این رژیم اغلب به مبارزه قهر آمیز تبدیل می شوند، درس ها و تجربیات زیادی به کارگران می آموزند. اساساً نگاهی به تجربه تکنونی مبارزات کارگران ما در طول حداقل ۳۹ سال اخیر نشان می دهد که بدون مبارزه مستقل و قهر آمیز با رژیم جمهوری اسلامی در جهت نابودی آن نمی توان به ایجاد تشکل در میان کارگران حتی در حد صنفی آن امیدوار بود. از این رو کارگران پیشرو همراه با روشنفکران کمونیست و انقلابی باید بتوانند با مبارزه علیه رژیم حاکم راه را برای ایجاد تشکل های مبارزاتی خود هموار کرده و با این سلاح قدرتمند نظام ظالمانه سرمایه داری را به زباله دان تاریخ بسپارند.

به نقل از : ماهنامه کارگری ، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران
شماره ۴۷ ، پانزدهم آذر ماه [قوس] ۱۳۹۶